

آچارکشی

مشکل یک‌هویی حل شد

● **پوریا عالمی:** شورای شهر کرمان مصوب کرد: نگهداری سگ در خانه ۵۰ هزار تومان و نگهداری گوسفند در شهر صد هزار تومان جریمه دارد. (هفته‌نامه پیام ما) خیلی هم خوب. این مصوبه نشان می‌دهد:

آچارکشی ۱- قدیم می‌گفتند چهار دیواری اختیاری، الان اما این حرف‌ها شوخی است. چهار دیوار مثل جیب آدم است. با این اوصاف بعید نیست فردا مصوب کنند آدم توی لباسش اگر چیزی بود هم باید جریمه بدهد. فکرش را که بکنی قشنگ استرس برت می‌دارد.

آچارکشی ۲- ما متوجه شدیم شورای شهر کرمان روی نگهداری سگ در خانه حساس است. آچارکشی ۳- ما متوجه شدیم شورای شهر کرمان روی نگهداری گوسفند در شهر هم حساس است. این گوسفند با آن گوسفندی (البته بلا نسبت گوسفند بیچاره) که حقوق شهروندی و مردم را رعایت نمی‌کند فرق دارد. عزیزان نگران نباشند. آچارکشی ۴- این‌طور که شورای شهر کرمان تصویب کرده، معلوم می‌شود اگر آدم سگش را توی شهر نگه دارد و گوسفند را بر برد خانه، شورای شهر کرمان با قضیه اوکی است.

آچارکشی ۵- این چیزهایی که مسئولان بهش فکر می‌کنند به این دلیل است که احتمالا مشکلی وجود ندارد و آدم‌ها مشکلی ندارند که مسئولان بهش فکر کنند. اگر ما هم فکر می‌کنیم مشکل وجود دارد و مسئولان به فکر نیستند، حتما به این دلیل است که خودمان مشکل داریم.

آچارکشی ۶- تعدادی از سگ‌ها و گوسفند‌ها به خبرنگار ما گفتند از وقتی شورای شهر کرمان این مصوبه را اعلام کرده، وضع ما بهتر شده و صاحبان ما به ما پول دادند که برویم هتل بمائیم.

پیشخوان

ماهانمه «شهر کتاب» در تازه‌ترین شماره خود پرونده‌ای برای آتش‌سوزی فیلم‌های سینمایی در زمستان ۱۳۶۳ گشوده است. یادداشتی از صالح نجفی درباره فیلم «وداع با زیان» اثر کداز هم خواندنی‌ست. پرونده دیگر این شماره به ادبیات ضد جنگ اختصاص دارد و در بخش موسیقی هم یادنامه‌ای برای نورعلی برومند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۴ ۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ سال سیزدهم شماره ۲۵۱۸ ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ اذان مغرب ۱۷:۵۹ اذان صبح فردا ۵:۳۱ طلوع آفتاب ۶:۵۶

روزنامه‌فرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی میرایی

alimiraee@gmail.com



سلام به فردا

انقلابی برای همیشه

شاهنشاهی بزند و در نهایت نیز مستقل باشد و مستقل بماند، قابل‌توجه و احترام بود. این نگرش جدید که در چارچوب اسلام بود و ما را از حالت برکه بازی‌بودن برای سیاست‌های دیگران خارج می‌کرد، همان چیزی بود که ما جوان‌ها را به شدت مجذوب امام کرده بود. شعار استقلال همان شعاری است که من هنوز هم شدیداً معتقدم ما باید بر آن پافشاری کنیم. این همان سیاست موازنه منفی دکتر محمد مصدق است که باید در عین رابطه با کل دنیا آن را همیشه مدنظر داشته باشیم. هیچ کشوری نباید بتواند ما را تبدیل به برکه بازی سیاستش کند تا بتواند به منافع خودش دست پیدا کند. این همان سیاست ایرانی است که برای ما ایرانی‌ها شناخته‌شده و ارزشمند است و باید دنبال شود. بالندگی کشور امکان‌پذیر نیست مگر با شعار استقلال.



محمدعلی سبحانی

۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همیشه برای من یادآور دانشجوی جوانی به اسم محمدعلی سبحانی است که شدیداً تحت‌تأثیر شخصیت و تفکر امام‌خمینی(ره) قرار گرفته است؛ جوانی که تحت‌تأثیر امام(ره) در تمام طول ۱۰ ماه پرجوش‌و‌خروش منتهی به انقلاب در گوشه‌و‌کنار شهر در کنار دیگران حضور داشت.

اما وقتی فکر می‌کنم چه چیزی بیش از همه این جوان را تحت‌تأثیر قرار داد، باید بگویم از میان سه اصل شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، این استقلال بود که بیش از همه در آن دوران من

داستان‌های نقطه‌دار

رهبری که با داغ فرزند، رهبری کرد

دردهایش را به حرکت دست‌هایش در فضا منتقل کرد و همه‌چیز شد نت و صدا و موسیقی و ... از روزی که شنیده‌ام این قصه را، نمی‌دانم چطور و چگونه یک پدر، یک انسان از پس چنین اتفاقی برمی‌آید؟ و آن‌قدر وسعت قلب دارد که به‌خاطر مسئولیتش، به‌خاطر هنر و به‌خاطر آدم‌هایی که به او وابسته‌اند چنین تصمیمی می‌گیرد؟

فقط تصور می‌کنم که در تمام طول اجرا تصویرهای کودکی پسرش را پشت چشم‌هایش مرور می‌کند و صدای قدم‌های او را لابه‌لای نت‌های موسیقی می‌شنود و ...

زندگی گاهی عجیب‌تر از حد تصور ما جلو می‌رود و مرتب غافلگیرمان می‌کند! نمی‌دانم چقدر روزهای نقطه‌دار و عجیب در پیش‌روی هرکدام از ماست؟ چه اتفاقات و چه تصمیم‌هایی در پیش‌روی ماست که وجوه دیگری از انسان‌بودنمان را برای خودمان رو می‌کند و غافلگیرمان می‌سازد؟ اما می‌دانم برخی قصه‌ها و برخی قهرمان‌ها وجود و حضورشان همه ما را قوی‌تر می‌کند و محکم‌تر و قصه این موزیسین بزرگ از همان‌ها بود... نقلش کنیم.

نقاب لبخند به صورت می‌زنند، چون می‌دانند اطرافیان‌شان به آنها تکیه دارند و شکستن و کم‌تحمیلی‌شان فقط مال خودشان نیست بلکه روحیه جمعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ پس خودشان را باروحیه و لبخند و گرم‌نشان می‌دهند تا شعاع آفتاب وجودشان آنچه را که باید گرم کند، همچنان گرم کند....

و اما قصه نقطه‌دار عجیب داستان مردی است که رهبر ارکستر بزرگی است. در یکی از برنامه‌های آخرش که ماه‌ها تمرین کرده و اعضای زیادی را گرد هم آورده، مصیبت‌بارترین اتفاق عمویش رقم می‌خورد؛ عزیزترین عمویش، پسرش، را از دست می‌دهد. از بچگی شنیده بودم پشت یک مرد را نه عشق، نه ورشکستگی و نه فقر نمی‌شکند اما از دست دادن فرزند کمرش را می‌شکند، قهرمان قصه من اما با پشت شکسته بدون اینکه بگذارد کسی از این مصیبت خبردار شود، روی صحنه می‌رود و دست‌هایش را بالا می‌زند و با تمام وجودش نت‌ها و سازها و نوازنده‌هایش را رهبری می‌کند، من نبودم و نمی‌دانم که آیا اشک‌ها را مهار کرد یا اشک‌ها مجال داد؟ یا در سینه ماند و همه



بهاره رهنما

هنوز هم گاهی قصه‌هایی واقعی می‌شنویم که شبیه قصه هستند و قهرمان دارند؛ قصه‌هایی واقعی که امکان رخ‌دادنشان از حد انسان امروزی و زمانه امروز خارج است.

قصه‌هایی از این دست به گمان من قصه‌های نقطه‌دار هستند؛ قصه‌هایی که گاهی در مقابل عظمت و بزرگی قهرمانان‌شان کلمات عاجز از وصفند و نقطه‌ها به کار می‌آیند و قضاوت را به خود شما وامی‌گذارند....

همه ما دوروبرمان آدم‌هایی داریم که همیشه با یک بغل غم و حریف کهنه و اغلب تکراری و فرساینده به دیدارمان می‌آیند، بماند که همدلی و گوش شنوا که این روزها سخت کمیاب هستند از معیارهای یک دوستی خوب و خالصند، اما می‌شناسم آدم‌ها، بازیگرها و معلم‌هایی را که با بار عظیم غم‌ها و مشکلاتشان، هرروز

فروش ویژه محصولات گروه خودروسازی سایپا

مبارک باد
به من بخیر و تعالی و سلام



www.saipagroup.ir

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودروسازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایید.
توجه: واریز به حساب بانکی غیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسئولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد.



گروه خودروسازی سایپا